



فاطمه(س)، به روایت قرآن

در تفسیر و تعریف حقیقت فاطمه(س) و شأن و منزلت او، سزاوارترین مرجع، خالق حکیم هستی...

در تفسیر و تعریف حقیقت فاطمه(س) و شأن و منزلت او، سزاوارترین مرجع، خالق حکیم هستی- خداوند متعال- است. به شهادت مفسران شیعه و سنی، خداوند متعال فاطمه(س) را در قرآن کریم به چند حسن، ستوده است:

1- مکارم اخلاق.

حضرت رسول(ص) در فرازی مشهور، رسالت خود را، تکمیل

&171#؛ مکارم اخلاق» معرفی کرده اند:

انی بعثت لاتم مکارم الاخلاق. (1)

علمای اخلاق، در تبیین این فراز و این که چرا حضرتش، لاتمم الاخلاق نفرمود، میان &171#؛ اخلاق» و &171#؛ مکارم اخلاق» تفاوت گذاشته اند. &171#؛ اخلاق» به رعایت عدالت و خرد در رفتار با دیگران باز می گردد. فعل اخلاقی، رفتاری است که مبنا و انگیزه آن عقل و عدالت است. نیکی به دیگران در برابر نیکی آنان، (2) یک فعل اخلاقی است. &171#؛ مکارم اخلاق» اما رفتار و منشی است که با شکستن مرزهای عقل و عدالت به نفع دیگران، بر پایه نادیده انگاری خود و عشق به هم نوع شکل می گیرد.

نیکی در برابر نامهربانی و تندخویی دیگران به همان اندازه مکرمات اخلاقی است که از نان شب و استراحت شبانه گذشتن برای اینکه مبادا فقیر و یتیمی، با شکم گرسنه سر بر بالین برد.

لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون. (3)

و آتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی والمساکین. (4)

و چه نیک حضرت پیامبر(ص) در سراسر عمر شریف، این رسالت بزرگ را جامه عمل پوشاند بلکه به نص صریح قرآن کریم، به &171#؛ نماد مجسم مکارم اخلاق» تبدیل شد:

و انک لعلی خلق عظیم. (5)

لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه. (6)

عشق عمیق به دشمن کینه توز و تأسف و تأثر عمیق از گمراهی و ضلالت آنها، تا حدی که آدمی را به بستر بیماری و مرگ بیندازد، بزرگواری و مکرماتی است که تنها در حضرت رسول(ص) می توان آن را سراغ گرفت:

فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم یؤ منوا بهذا الحدیث اسفا. (7)

او کافران و مشرکان مکه را که پس از عمری جنگ و گریز، شکست خورده و اسیر شده بودند، در عین ناباوری یاران و بهت دشمن، بخشید و امانشان داد و به عیادت یهودی تندخویی رفت که روزهای پیشین بر سر او خار و خاشاک می ریخت. همزمان با پیامبر(ص) و پس از او، این سیره در اهل بیت و فرزندان او ادامه یافت. علی(ع) در جنگ صفین، در چکاچک اعتراض یاران، آب را بر دشمن تشنه کامی گشود که لختی قبل، آب را بر او و سپاهیان او بسته بودند. حسین(ع) نیز در اولین برخورد با سپاه کوفه، ذخیره آب حرم را

به میزبانی لب های تکیده سربازان بنی امیه و اسبان تشنه آنان برد:

امن من لجا الیکم. (8)

در این میان، یک نکته اساسی و ظریف وجود دارد. شاید در میان مردمان نیز، این اتفاق(نیکی در برابر بدی) هر از گاهی رخ بنماید اما آن قله ای که اهل بیت(علیهم السلام) بر فراز آن دست نایافتنی(9) می نمایند و صف عرشی آنان را از دیگران جدا می سازد، تکرار، عمق و گستره مکارم اخلاقی است. بخشیدن همه آن چیزهایی که آدمی خود، در سرحد اعلاء به آن ها نیاز دارد، آن هم به کسی که او را نمی شناسد یا با او پیشینه دشمنی دارد، به سحیه و عادت پیامبر(ص) و اهل بیت (علیهم السلام) در زندگی روزمره تبدیل شده است:

عادتکم الاحسان و سجتکم الکرم. (10)

در این میان، اما فاطمه (س) چیز دیگری است. مکرمات فاطمه حتی علی(ع) را نیز به غبطه و شگفتی واداشته است؛ آن گاه که در هنگامه غسل، دستش به هلوی شکسته رسید، به یاد آورد که فاطمه، عمری حدیث غربت و تنهایی او را شنید ولی حتی یک بار، از غم و اندوه خود چیزی نگفت. آنانی که برای تجلیل از فاطمه(س) و تبیین سَر عظمت و جاودانگی او، به فرزندی پیامبر(ص)، همسری علی(ع) و مادری حسنین(علیهم السلام) استناد جسته اند، به بیراهه رفته اند. فاطمه، نماد تمام نمای مکرمات و نهایت آن است و این یکی از اسرار وجودی و جاودانه ای است که خداوند متعال در تفسیر حقیقت فاطمه(س) و اهل بیت(ع) بدان اشاره کرده و

به ذکر تنها یک از هزاران بسنده می کند:

ان الابرار یشرّبون من کأس کان مزاجها کافورا... و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً. (11)

پی نوشت:

1. بحارالانوار، ج 16، ص 210.

2. هل جزاء الاحسان الا الاحسان.(الرحمن/60)

3. آل عمران/92

4. بقره/177

5. قلم/4

6. احزاب/21

7. كهف/6

8. فرازی از زیارت جامعه

9. فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين و اعلى منازل المقربين و ارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق و لا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقی ملك مقرب و لا نبی مرسل (فرازی از زیارت جامعه)

10. فرازی از زیارت جامعه کبیره

11. دهر/5 و 8

پدید آورنده : نامشخص ، صفحه 56